

امکان‌سنجی درج انواع ارز دیجیتال به عنوان مهریه

افسانه امینی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد فارسان، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

چکیده

ارز مجازی شکل دیجیتالی از ارزش است که می‌تواند به عنوان وسیله مبادله و داد و ستد، واحد محاسبه و یا ذخیره کننده ارزش مورد استفاده قرار گیرد، ولی دارای وضعیت پول رایج در هیچ قلمرویی نیست و دارای ویژگی‌هایی از جمله: نبود نهاد مرکزی، گمنام بودن کاربران، امکان پرداخت هم‌تا به هم‌تا و بدون مرز بودن است. همچنین باید گفت، مال از دید فقهاء چیزی است که دارای ویژگی‌های خاصی باشد؛ از جمله اینکه: نفع عقلایی و شرعی داشته باشد، قابلیت تملک و اختصاص به افراد را داشته باشد، مورد حاجت و نیاز انسان باشد و انسان به آن تمایل و رغبت نشان دهد، ارزش و مالیت آن تابع عرضه و تقاضاست. بنابراین اگر تقاضا برای یک شیء وجود داشته باشد آن شیء مالیت پیدا کرده و هر گاه تقاضا برای آن از بین برود مالیت آن هم منتفی می‌شود. باید گفت، مالکیت و حق مالکیت از مهمترین آثار حقوقی اموال، است. اشخاص نسبت به اموال مملوک، می‌توانند دارای حقوق مختلف و متفاوتی شوند. حقی که انسان یا شخص حقوقی یا الکترونیکی نسبت به اشیا یا سازه‌های الکترونیکی دارد، می‌تواند حق مالکیت باشد. مالکیت می‌تواند مالکیت بر منافع یا مالکیت بر عین یا مالکیت بر حق باشد. مالکیت بر عین کامل‌ترین حقی است که برای شخص، نسبت به اعیان خارجی، قابل تصور است. در مورد مهریه نیز باید اشاره نمود شرایط اساسی صحت معامله در قرارداد مهریه عبارت است از: مالیت داشتن، قابل تملک بودن، معلوم بودن، قدرت بر تسلیم، معین بودن، منفعت عقلایی و مشروع، موجود بودن و ملک شوهر بودن و با توجه به پژوهش جواز تعیین ارز دیجیتال به عنوان مهریه با توجه به مواردی چون: رغبت عموم عقلا، داشتن خصوصیات پول، مالیت داشتن ارزهای دیجیتال و امکان احراز امضای شارع، قابل اثبات است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی و امکان‌سنجی درج انواع ارز دیجیتال به عنوان مهریه؛ شده است.

واژه‌های کلیدی: مال، مهریه، ارز دیجیتال، تملک، پول

مقدمه

ارز دیجیتال یک مفهوم عام برای انواع گوناگونی از ارزهاست. این نوع ارز هیچ گونه ارتباطی با پول بانکی نداشته و یک ارز جدید با سازوکار منحصر به فرد است. نخستین بحثی که درباره ارزهای دیجیتال مطرح می‌باشد این است که اساساً چنین چیزی دارای مالیت می‌باشد یا صرفاً توهمی از مالیت است که بخشی از جامعه نسبت به آن اقبال نشان داده‌اند؟ باید گفت؛ صدق عنوان عرفی و شرعی مال بر اشیا و جاری شدن احکام مال بر آنها، شرایط و ملاک‌های خاصی دارد. ملاک مال عرفی، منفعت داشتن تکوینی و اعتباری است؛ به گونه‌ای که عقلاً به آن رغبت داشته باشند و برای آن عوض پرداخت کنند. ملاک مال شرعی نیز تحریم نشدن شیء و منافع آن است. در جامعه امروزی وسیله‌ای جدید و مدرن برای تبادل، ارزش، ذخیره و سنجش کالاها به نام ارز مجازی به وجود آمده است. از پرسش‌های اساسی در مورد ارزهای مجازی این است که آیا ملاک‌های مال عرفی و شرعی در ارزهای مجازی وجود دارد؟ اشکالات چندی می‌توان در مورد مال بودن ارزهای مجازی طرح کرد: نبود رغبت عمومی عقلاً، نداشتن خصوصیات پول، استخراج ارزهای مجازی از سوی افراد متعدد و احراز نشدن امضای شارع، از جمله اشکالات وارد شده بر مالیت ارزهای مجازی است. با تبیین ماهیت مال و پول مشخص می‌شود ارزهای مجازی زیر مجموعه عنوان مال و پول قرار می‌گیرد و قول به رغبت نداشتن عمومی عقلاً در مورد ارزهای مجازی صحیح نیست. همچنین احراز امضای شارع در مورد آن امکان دارد (آزادپرور و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

در راستای موضوع پژوهش باید گفت؛ مهر یا مهریه عبارت از مال (یا چیزی که قائم مقام مال باشد) معینی است که بر سیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد. از نظر حقوقی مهر یا صدق مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد. با توجه نکات گفته شده و بیان این مسأله که امروزه ارزهای مجازی به عنوان زیرمجموعه‌ی مال و پول در نظر گرفته می‌شوند قید رمزارزهای دیجیتال به عنوان مهریه در عقدنامه رویه‌ای قانونی محسوب می‌شود. با این حال برخی استدلال می‌کنند چون احتمال کاهش در ارزش و بهای مورد معامله وجود داشته است و این امر منفعت زوجه را به خطر می‌اندازد لذا دارای منفعت عقلانی و شرعی نبوده است و «ضمانت اجرایی خارجی» ندارند در نتیجه به عقیده‌ی برخی حقوقدانان؛ «اصولاً تعیین چنین مهریه‌ای باطل است. لذا باید به قواعد عمومی اثرات تعیین مهریه باطل در اصل عقد ازدواج رجوع کنیم. در این صورت می‌بینیم که اگر ارز دیجیتال به عنوان مهریه در ازدواج دایم تعیین شده است، این مهریه باطل است ولی عقد باطل نیست. چون فقط مهریه نامشروع است ولی عقد همچنان شرعی و با در نظر گرفتن سایر شرایط عمومی ازدواج، صحیح و برقرار است. در این شرایط چون مهریه باطل شده است، مانند آن است که مهریه‌ای تعیین نشده و طرفین می‌توانند یا با توافق و تراضی مهریه را مشخص کنند یا در صورت عدم توافق و تراضی، زوجه با مراجعه به دادگاه، مستحق دریافت مهرالمثل می‌شود» (سلینی، ۱۴۰۰: ۱). برخی نیز بیان می‌کنند «در قانون مدنی گفته شده هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد و به همین دلیل تعیین بیت کوین به عنوان مهریه مشکلی ندارد.» (عزیز زاده‌ی قصاب، ۱۳۹۹) با توجه به اهمیت این موضوع و وجود نظرات موافق و مخالف در این خصوص در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی و امکان‌سنجی درج انواع ارز دیجیتال به عنوان مهریه؛ خواهد شد.

۱- شرایط اساسی صحت معامله در قرارداد مهریه

در این مبحث به بررسی شرایط مهریه می‌پردازیم. می‌دانیم که قراردادی که زن و مرد در مورد مهر می‌بندند یک قرارداد تبعی است، یعنی قراردادی است راجع به مال که جدا از اصل نکاح ولی تابع عقد اصلی یعنی عقد نکاح می‌باشد و برای همین شرایط

اساسی صحت معاملات باید در مورد این قرارداد رعایت شود (صفایی، امامی، ۱۳۹۸: ۱۷۰). پس چیزی که بعنوان مهر تعیین می‌شود باید دارای شرایط عمومی مورد معامله بشرح زیر باشد:

۱-۱ مالیت داشتن

مالیت داشتن مهریه یعنی دارای ارزش داد و ستد اقتصادی باشد و بتوان آن را در یک قرارداد معوض بعنوان عوض قرارداد و مالی را در عوض آن دریافت کرد. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک باشد میتوان مهر قرارداد». بنابراین نتیجه می‌گیریم و هوا و (آب دریا) آن را به دلیل نداشتن مالیت نمی‌توان مهر تعیین کرد.

۱-۲ قابل تملک بودن

زن باید بتواند مهریه را تملک کند، پس اموال و مشترکات عمومی و موقوفات را نمی‌توان بعنوان مهریه تعیین کرد و همچنین اموالی را که به علت بازداشت بودن یا به علت متعلق بودن حق غیر نمی‌توان تملک نمود را نیز نمی‌توان مهر قرارداد مگر با رضایت ذیحق یا طلبکار، قانون مدنی ما نیز در قسمت دوم ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در مورد قابل تملک بودن صراحت دارد. در ضمن تردیدی وجود ندارد که قابل تملک بودن در تمامی اموال می‌تواند صدق پیدا کند چه عین باشد، چه دین، چه معین باشد یا کلی، یا منفعت و غیره، بنابراین اموال عمومی مانند معادن و صحراها یا عضوی از بدن فرد یا اماکن عمومی مانند پارک‌ها و گورستان‌ها و جاده‌ها قابلیت تعیین شدن بعنوان مهریه را نخواهند داشت (همان). هم چنین مالی که متعلق حق شخص ثالث قرار گرفته مانند مالی که مورد قرار تأمین می‌باشد یا در اثر صدور برگ اجرایی بازداشت شده است مگر آنکه با رعایت حق مزبور مهر قرار داده شود. در این صورت آن مال با همان وضعیت مهر قرار می‌گیرد، یعنی با بودن آن متعلق حق غیر، زن مالک می‌گردد و در عمل پس از رفع تأمین و بازداشت، زن می‌تواند تصرفات مالکانه در آن بنماید و هرگاه در اثر قرار تأمین و بازداشت در مقابل مبلغی به فروش رفت، پی از استیفاء حق طلبکار، بقیه از آن زن خواهد بود. فرقی نمی‌کند که مورد مهر عین مهر باشد مانند باغ، مزرعه، یا کلی باشد مانند صد هزارریال که شوهر آن را عندالمطالبه به زن خود بدهد و یا اینکه منفعت باشد مانند شش ماه منفعت خانه یا منفعت اسب برای مسافرت مساحت معینی (امامی، ۱۳۸۳: ۵۰۴-۵۰۳).

طلب نیز قابل تملیک می‌باشد و می‌تواند مهر قرار گیرد، مانند آنکه زوج که از دیگری یک صد هزارریال طلب دارد آن از مهر زوجه خود قرار دهد، زیرا منظور ماده از قابل تملک بودن قابل انتقال بودن آن است، خواه به ملکیت زوجه به معنی اصطلاحی درآید مانند اعیان خارجی و خواه زوجه صاحب آن گردد مانند حق انتفاع مدت معینی از مال، طلب، حق خیار، حق شفعه. (بنابر آنکه آن دو قابل انتقال باشند). تعهدی که موضوع آن منفی است مانند تعهد زوج به شناختن بناء در مقابل خانه متعلق به زوجه، به نظر چون زوجه از حق نساختن بنای مرتفع در مقابل خانه خود منتفع می‌شود، چنین تعهدی می‌تواند مهر قرار گیرد. ابراء زوجه در مقابل دینی که به زوج دارد نیز می‌تواند مهر او قرار گیرد. منفعت انسان مانند نقاشی توسط نقاش نیز می‌تواند مهر زوجه قرار گیرد. زیرا کافی است که مورد عقد تملیکی پس از عقد مال باشد (امامی، ۱۳۸۳: ۵۰۴).

۱-۲-۱ ویژگی‌های قابل تملک بودن

الف- مانع بودن یا انحصاری بودن

حق ملکیت انحصاری است و جنبه منفی اصل تسلیط را مطرح می‌سازد. هر ملکیت و حقی برای مالک آن اختیاری انحصاری ایجاد می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند به حقوق مالک در مایملکش تجاوز کند. حق مالکیت حقی انحصاری است یعنی انحصار متعلق به مالک است و تمامی افراد باید آن را محترم بشمارند. یعنی به این حق تجاوز نکنند. لذا ماده ۳۱ قانون مدنی می‌گوید: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون». فضا و سازه‌ی هر شخص، متعلق به خود او است و هیچ کس حق تصرف در آن و تصاحب آن را ندارد. مگر این که به ناقل صحیح قانونی آن سازه را تملک کند یا به نحوی از انحاء اختیار تصرف در آن مال را پیدا نماید.

ب- مطلق بودن

منظور این است که مالک می‌تواند در مال خود به هر نحو که بخواهد تصرف کند و حق استعمال، استثمار و تصرف خود را به هر طریق که مایل باشد اعمال نماید. در واقع مطلق بودن، آزادی مالک را در جنبه کیفی تصرفات خود می‌رساند. به نظر می‌رسد ماده ۲۰ قانون مدنی که همه گونه تصرف و انتفاع را برای مالک جایز می‌داند، شامل این مورد نیز می‌شود و اصل ۴۴ قانون اساسی که حمایت از مالکیت و اعمال این حق را بیان می‌کند این حق را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، مالکین اموال الکترونیکی نیز می‌توانند در سازه‌ی خود، اعمال مالکیت مطلق نمایند اما این اطلاق تا جایی قابل احترام و اعتبار است که با حقوق اشخاص یا مالکین دیگر تعارض و تزامم پیدا نکند. در چنین موردی است که این ویژگی مالکیت با استثنا مواجه می‌شود.

ج- دائمی بودن

دائمی بودن مالکیت، اگر چه به صراحت در قانون مدنی نیامده، ولی به عنوان یک اصل توسط حقوقدانان پذیرفته شده است (امامی، ۱۳۸۳: ۵۵). البته قلمرو این اصل محدود به مالکیت بر اعیان است و در مورد مالکیت منافع و حق انتفاع وصف دائمی بودن، محدود به مدت زمانی می‌شود که مالکیت شخص باقی است. باید گفت؛ در بحث اعیان و منافع الکترونیکی؛ اموال الکترونیکی نیز مانند سایر اموال غیر الکترونیکی، دارای عینیتی هستند که به ملکیت اشخاص در می‌آیند و بر مبنای آن عینیت است که منافع الکترونیکی وجود پیدا می‌کنند. با این توضیح، می‌توان وصف دائمی بودن را برای این قبیل اموال نیز قابل گردید. اشکالی که ممکن است مطرح شود این است که اگر مالکیت دائمی است، نباید مالک بتواند آنرا به غیر انتقال دهد یا مال نباید پس از فوت مالک به ورثه منتقل شود. پاسخ این است که مالکیت ورثه و منتقل الیه ادامه مالکیت سابق ناقل و مورث است و مالکیت قطع نشده تا مجدداً ایجاد شده باشد (همان: ۱۸۳). حقوقدانان از دائمی بودن حق مالکیت چند معنا را برداشت نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۰۶):

معنای اول: این است که حق مالکیت، تا موضوع آن از بین نرفته باقی است. حق مالکیت به دلیل کمال خود و در برداشتن چهره‌های گوناگون انتفاع و استعمال و اتلاف مال، با موضوع خود در هم آمیخته و حق و موضوع در دید عرفی ماهیتی یکسان پیدا کرده است. وابستگی حق اعتباری مالکیت با مملوک خارجی موضوع آن به حدی است که جز در مورد منافع، نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد. حق مالکیت با موضوع آن انتقال می‌یابد و تا عین باقی است، مالکیت هم وجود دارد. تنها با زوال موضوع یعنی مملوک یا صرف نظر کردن از تملک است که این حق زائل می‌شود. هر چند این معنا در مواردی مانند وقف که در آن فک ملک انجام می‌شود، با تشکیک مواجه شده است. این معنا در خصوص اموال الکترونیکی، نمودی مؤثر تر دارد. چرا

که معمولاً ایجاد و زوال این اموال با اراده‌ی شخص یا اشخاصی ملازمه دارد که طراحان و سازندگان این سازه‌ها هستند. از زمان ایجاد اموال مجازی، باید آنها را در ملکیت سازندگان یا کارفرمایان دانست. در اغلب موارد، زوال این اموال نیز با اراده‌ی شخصی صورت می‌گیرد و با توجه به این که استهلاک در اموال الکترونیکی به مراتب نادرتر از سایر اموال می‌باشد، لذا معمولاً این اراده‌ی شخصی است که زمینه‌ساز از بین رفتن یک سازه و در نتیجه، زوال مالکیت آن می‌گردد. هر چند که فرض زوال اتفاقی و استهلاکی این اموال نیز غیر ممکن نیست.

معنای دوم: حق مالکیت در اثر معطل ماندن از بین نمی‌رود. به عبارت دیگر، عدم استفاده از ملک موجب زوال مالکیت نیست. زوال ملکیت نیاز به سبب دارد و عدم استفاده از ملک از موجبات زوال آن به حساب نمی‌آید. اگر به علت قطع شبکه‌های اتصال یا اختلال در زیر ساخت‌های ارتباطی یا به هر علت دیگری، شخص برای مدتی از دسترسی به مال خود ناتوان باشد یا حتی اگر به طور اختیاری، برای مدتی از استعمال و تصرف در مال یا ملک شخصیش امتناع ورزد، هیچ یک از این موارد دلیلی بر زوال مالکیت شخص نخواهد بود. زوال مالکیت که حقوق دانان از آن به عنوان اعراض نام می‌برند، عملی حقوقی است که نیاز به دلیل اثباتی دارد و صرف تعطیلی یا قطع استعمال، نمی‌تواند دلیل اعراض قلمداد گردد. در فضای مجازی، بارزترین عملی که می‌تواند سبب ایجاد اموال الکترونیکی بدون مالک شود، عمل ایقاعی اعراض است. به این نحو که مالک این اموال، با صرف نظر کردن از ملکیت و رها کردن مال خود، آن را بدون مالک باقی می‌گذارد. چنین اموالی را می‌توان با رعایت موازین و قوانین حاکم، تملک نمود. اما وقفه در استعمال اموال الکترونیکی را نباید اعراض تلقی کرد (عرب‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

معنای سوم: که از دوام مالکیت برداشت می‌شود این است که مالکیت نمی‌تواند زمان دار باشد. یعنی ممکن نیست یک شخص برای مدت خاص مالک عینی باشد به طوری که پس از گذشت آن مدت معین از تصرف او، بدون آنکه نیاز به سبب مملک و ناقل جدیدی باشد، ملکیت به شخص دوم منتقل شود. به عبارت دیگر منظور از دوام مالکیت آن است که وقتی مال در ملکیت شخص داخل شد، برای همیشه در ملک او باقی می‌ماند مگر آنکه به یکی از اسباب انتقال مالکیت به دیگری منتقل شود. بنابر این، مالکیت موقت، بدین معنا که مالکیت شخص، مقید و محدود به زمان مشخصی شود، به گونه‌ای که با سپری شدن آن مدت، مالکیت شخص خود به خود و بدون هیچ سبب جدیدی زایل شود و به مالک اول یا شخص دیگری برگردد، مورد پذیرش نیست (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

البته ممکن است موضوعی، ذهن را دچار تردید کند و آن موضوع این است که گاهی در طراحی سایتها و فضاهای مجازی، برنامه‌نویسان مدت زمان مشخصی را برای آن در نظر می‌گیرند. به این نحو که در ساختار فضای مورد نظر، پیش‌بینی می‌نمایند که این فضا یا سایت پس از مدتی مشخص، به طور خودکار از قابلیت انتفاع خارج شود یا این که به طور کامل زایل گردد. همچنین، ممکن است سازه‌های الکترونیکی به گونه‌ای طراحی شوند که پس از مدت زمان خاصی به طور خودکار، از تصرف و تملک شخصی خارج و به تصرف و ملکیت شخصی دیگر در آیند. در این صورت، مالکیت شخص، محدود به زمانی مشخص شده است که با اصول مالکیت منافات دارد. اما در پاسخ باید گفت که اگر مالکیت محدود به مدت باشد، موجب تغییر در قاعده نمی‌شود و ملاک ما، اطلاق ملکیت در مدت مالکیت است؛ نه خارج از مدت. به عبارت دیگر، در مدت مالکیت، نمی‌توان آن را محدود به زمان کرد و در اثنای مدت به طور مطلق دارای آثار ملکیت است. از طرف دیگر، زوال یک فضا یا سازه الکترونیکی به علت انقضای مدت تعریف شده‌ی موجودیت، انحلال ملکیت برای آن مال است. به این ترتیب، پس از گذشت مدت زمان اعتبار، ارزش اقتصادی و به تبع آن مال بودن و ملکیتی برای آن سازه یا فضا متصور نیست. همچنین در فرض اخیر، یعنی انتقال مالکیت سازه‌ها به طور خودکار، مالکیت ملک از بین نرفته و تنها شخص مالک تغییر یافته است. بنابر این، در این

حالت نباید گفت که اصل مالکیت زمان دار شده است. نکته ی دیگر این که در ساختار اموال الکترونیکی می توان زوال اختیاری را نیز پیش بینی کرد. به این نحو که کاربر به اختیار خود، سازه های متعلق به خویش را پاک و محو نماید.

۲-۲-۱ آثار مالکیت

مالکیت دارای آثار فراوانی یکی از آثار مهم مالکیت آن است که مالکیت بر مال یا ملک، سبب مالکیت بر توابع آن مال یا ملک نیز می شود. مالکیت تبعی در مقابل مالکیت اصلی معنا و مفهوم پیدا می کند. مالکیت اصلی، عبارت است از: حقوق و اختیاراتی که شخص نسبت به موضوع اصلی مال دارد و مالکیت تبعی عبارت است از حقوقی که مالک بر ثمره ها و متعلقات مال به تبعیت از موضوع اصلی، حق مالکیت پیدا می کند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

الف- مالکیت تبعی بر منافع و ثمره ها

منفعت به فایده ای گفته می شود که به تدریج از مالی به دست می آید و ایجاد آن با از بین رفتن اصل مال ملازمه ندارد. در حالی که ثمره یا نماء دارای معنای عامتری است و فوایدی را هم که از تقویت اصل مال به دست می آید را شامل می شود. مثلاً افزایش بها با ارزش یک پهنای باند، ثمره ای است که متعلق به ملک و به تبع آن، متعلق به مالک است. کسی که تنها مالک منافع است (مانند مستأجر) تنها می تواند از فوایدی استفاده کند که با از بین رفتن عین مال ملازمه نداشته باشد. یعنی با حفظ عینیت، بتواند از آن متمتع گردد. اگر فضای دامین برای مدتی خاص به اجاره داده شود، عین آن فضا موجود و باقی است و استقرار در این فضا، منفعتی است که عاید مستأجر می شود (عربزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴). ماده ۳۲ قانون مدنی در بیان سرایت حق مالکیت به توابع مال می گوید: «تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیر منقوله که طبعاً با در نتیجه عملی حاصل شده باشد، بالتبع مال مالک اموال مزبور است.»

ب- مالکیت تبعی بر متعلقات مال

طبق ماده ۳۴ قانون مدنی، مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن نیز هست تا هر جا که بالا رود همچنین در مورد زیرزمین نیز این مطلب صادق است. از ملاک ماده ی فوق می توان نسبت به اموال الکترونیکی نیز استفاده کرد و بیان داشت که مالکیت، ملازمه با ملکیت آنچه که عرفاً ملحق به آن فضا است دارد. مالک حق همه گونه تصرف در ملک خود و همچنین، حق هر نوع انتفاع از مایملک خود را داراست. مگر در مواردی که به حکم قانون، حیطه ی اختیار او محدود شده باشد. چنانچه پیش از این نیز اشاره شد؛ برخی از این محدودیت ها عبارتند از:

۱- اعمال قاعده ی لاضرر در مقابل قاعده ی تسلیط:

در مقابل اصل یا قاعده تسلیط که ناظر بر اختیار ظاهراً بی حد مالک است اصل (لاضرر) وجود دارد که در تعارض با آن است. ماده ۱۳۲ قانون مدنی مبنی بر آنکه کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کنند که مستلزم تضرر همسایه شود نیز ناظر بر این امر است. در خصوص فضاهای الکترونیکی نیز این امر صادق است. هر فرد دارای محدوده ای مشخص و تعریف شده است که متعلق به اوست. مالک در فضای اختصاصی خود، اختیار هر گونه فعالیت، تغییر و ورود و خروج اطلاعات و محتویات را دارد. لیکن این امر باید به گونه ای باشد که برای سایر فضاها و مالکان، ایجاد آسیب، تراحم یا ممانعت از حق نکند. اگر شخصی با تولید نرم افزارهای خاص و استقرار آن در فضای متعلق به خود، با استفاده از قابلیت های آن نرم افزار بتواند بدون مجوز قانونی، به فضای اختصاصی مالک دیگر دست یابد یا با طراحی، ساخت و ارسال ویروس ها یا برنامه های مخرب، به صحت و امنیت فضاهای دیگر خللی وارد آورد، حتی اگر محل استقرار این نرم افزارها، سایت شخصی خود مالک باشد، از نظر قانون، این گونه استقرار ممنوع خواهد بود. لکن قسمت اخیر ماده ۱۳۲ قانون مدنی، به منظور تعیین تکلیف مقرر می دارد «... مگر تصرفی که

به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد.» بنابر این ماده فوق الذکر، میزان محدودیت به ضرر ملک مجاور را تعیین کرده است.

۲- تصرف و محدودیت‌های آن

تصرف استیلا و سلطه مستقیم یا غیر مستقیم شخصی بر مال معین می باشد و به اعتبار تفاوت در نوع مال، نوع و نحوه تصرف نیز متفاوت است. شخص متصرف ممکن است در تصرف خود حسب مورد اصیل، امین یا غاصب باشد. شخصی که در ملک خود تصرف دارد، اصیل می باشد. شخصی که از طرف مالک، مختار در تصرف دائمی یا موقت در مال اوست، امین است و بدون این که اصل مال متعلق به او باشد، اختیار استفاده یا حفاظت از مال را دارد و می تواند به فضای مجازی شخص دیگر وارد شود. اما وضعیت غاصب کاملاً متفاوت است. به او اذن تصرف داده نشده است. یکی از راه های احراز اذن تصرف از جانب مالک آن است که او، کد یا رمز عبور یا کلید واژه ی مورد نیاز برای دستیابی به فضا یا سازه اش را در اختیار دیگری قرار دهد. در واقع، یکی از راه های به تصرف دادن مال الکترونیکی از جمله بیت کوین، در اختیار قرار دادن رمز ورود به فضا یا کد فعال سازی سازه است. غاصب معمولاً از راه های غیر مجاز و غیر متعارف به این کدها و رمزها دست پیدا می کند و چون این تصرف، با خواست و اراده ی مالک و با مطلق و انحصاری بودن مالکیت او منافات دارد، مجاز نخواهد بود تصرفات یاد شده را می توان به اقسام زیر تقسیم نمود (نواب پور، ۱۳۹۷: ۵۴):

الف- تصرفاتی که در نتیجه ی آن ضرر و زیانی به غیر وارد نیاید. در این مورد قاعده تسلیط حکومت دارد. تا زمانی که شخص، محدوده ی ملکیت خود را رعایت نماید و ضرری به فضاهای مجاور فراهم نسازد، این تسلط بر مال، مجاز و مورد تأیید قانون و عرف است. تا این زمان شخص می تواند دست به هر عملی در فضای خود بزند.

ب- تصرفاتی که در حد متعارف باشد؛ لیکن موجب زیان غیر باشد. در این صورت چنانچه برای رفع حاجت یا رفع ضرر مالک باشد مجاز خواهد بود. این دو ویژگی بسیار حایز اهمیت است و روشن کننده ی نحوه ی تصرف است. اگر متصرف نیازی به انتفاعی که موجب ضرر دیگران است نداشته باشد و تنها به استناد قاعده ی تسلیط اقدام به چنین بهره برداری ای می نماید، این نوع تصرف ممنوع خواهد بود. البته نباید از نظر دور داشت که ملاک تشخیص این موضوع، بسیار دقیق و عمیق است و در موارد بروز اختلاف، باید قضاوتی کارشناسانه و منطقی صورت گیرد. علاوه بر این، تصرفات به زیان دیگران اگر برای دفع ضرر شخصی باشد، به این نحو که عدم استعمال آن، مالک را متضرر کند، چنین تصرفی نیز قابل پذیرش است. اگر مالک برای حفاظت از فضای الکترونیکی خود، نیاز به ضد ویروس هایی داشته باشد که استعمال آنها، برنامه های سایت مشخصی را دچار اختلال می کند، چون این نوع استفاده برای دفع ضرر از خود صورت گرفته است، لذا ایرادی در استعمال آن وجود ندارد.

ج- تصرفات بیش از حد متعارف: در این مورد قاعده ی لاضرر و تسلط معارض و قاعده ی لاضرر مقدم می شود. در نتیجه در اینجا به مالک اجازه داده نمی شود بیش از حد متعارف اگر چه برای رفع حاجت یا دفع ضرر خود در ملک خود تصرف به ضرر دیگران نماید. در همین راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۰ خود بیان داشته است: «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۳- دلیل مالکیت

طبق مفاد ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین مصرف مال که همه گونه انتفاع از آن را می برد و مدعی مالکیت نیز می باشد از نظر قانون مالک شناخته شده و حمایت می شود و اشخاص دیگر در صورت اعتراض به مالکیت بایستی برای اثبات ادعای خود دلیل ارائه دهند (عربزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۵). دلیلی که

مدعی برای اثبات غیر مجاز بودن تصرفات متصرف ارایه می دهد، باید شامل مواردی باشد که نشان دهد این تصرف بر خلاف قانون صورت گرفته است و مالکیت و انتقال مالکیت به طور صحیح واقع نشده است. در این رابطه در ماده ۳۶ قانون مدنی بیان شده: «تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود.»

۳-۲-۱ حق انتفاع

حق انتفاع از شاخه های حق مالکیت است. انتفاع در لغت مصدر باب افتعال و از ریشه نفع و به معنای نفع گرفتن و سود بردن می باشد (عمید، ۱۳۹۱، ذیل واژه ی انتفاع). در اصطلاح، این واژه دارای دو معنی است:

۱. حقی که به موجب آن شخص می تواند از ملک غیر بهره مند شود.
۲. به معنای مطلق بهره مندی است که به اقتضای موارد فرق می کند.

الف- جایگاه حق انتفاع در حقوق

در ماده ی ۴۰ قانون مدنی بیان شده است: «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند». اگر این حق، بر مبنای اموالی ایجاد شود که بر اساس امکانات الکترونیکی ساخته شده اند، اعم از این که حق به نفع اشخاص حقیقی، حقوقی یا مجازی به وجود آمده باشد، حق انتفاع الکترونیکی است.

در حق انتفاع، مال در مالکیت شخصی دیگر است و منافع نیز ملک شخص دیگری است و منتفع فقط دارای حق انتفاع، حق استفاده و بهره برداری از آن می باشد؛ نه حق مالکیت بر آن. امروزه سازه های متعددی در فضای اینترنت یافت می شود که مالک اصلی آنها اشخاصی مشخص یا نامشخص هستند. اما افراد محدود یا نامحدودی حق استفاده از اطلاعات و امکانات سایت یا خدمات سازه را دارند؛ بدون این که مالک آن باشند.

حق انتفاع یکی از شاخه ها و مراتب مالکیت است که طی قراردادی به شخص واگذار می شود؛ پس جزء اموال وی محسوب می گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۰۸).

مال موضوع حق انتفاع دارای دو صاحب حق می باشد:

- ۱- منتفع، که حق استفاده و بهره برداری از عین به او واگذار شده است.
- ۲- مالک، که صاحب عین است و در اثر قرارداد، (یا بر حسب عرف) سهم بزرگی از حقوق خود را به منتفع واگذار کرده است.

ب- اقسام حق انتفاع

حق انتفاع را در معنی خاص به چهار قسم تقسیم کرده اند:

۱) عمری

به بیان ماده ۴۱ قانون مدنی، حق عمری آن است که به موجب قراردادی حق استفاده از ملک به مدت عمر خود مالک یا عمر منتفع یا شخص دیگری به منتفع واگذار شده باشد. چون مدت واگذاری و قرارداد به مدت عمر مالک یا طرف قرارداد با شخص دیگری خارج از قرارداد می باشد، به این قرارداد، عمری گفته می شود. در خصوص اموال الکترونیکی برای نمونه بیت کوین، و به ویژه در جایی که مدت حیات شخصی الکترونیکی ملاک انعقاد قرارداد است، نباید همواره عمری را به مدت عمر شخص نسبت داد. بلکه صحیح تر و عملی تر آن است که قرارداد را محدود به مدت کارایی شخص کنیم (نواب پور، ۱۳۹۷: ۱۱۶).

به این معنی که تا زمانی که شخص الکترونیکی بر اساس ساختار و تجهیزات خود، امکان موجودیت و دوام دارد. می توان قرارداد را به این مدت محدود کرد و واژه ی عمری را در معنی وسیع تر به کار برد. اعم از این که این شخص مالک یا منتفع یا

شخص ثالث باشد. ممکن است موضوعی ذهن را در مدت استمرار حق عمری مورد تردید قرار دهد و آن این است که اگر قرارداد موجد حق انتفاعی برای مدت موجودیت یک شخص الکترونیکی منعقد شود و به هر دلیلی، این شخص برای مدت محدودی از قابلیت کارایی خارج شود، وضعیت حق عمری چه خواهد شد. ممکن است این وضعیت را به معنای پایان حق انتفاع عمری بدانیم. چرا که موجودیت شخص پایان یافته است و اگر در نتیجه ی تعمیر یا بازسازی برنامه ی ساخت آن، دوباره شخص به حیات گذشته اش باز گردد، موجودی جدید پا به عرصه ی وجود گذاشته که نمی تواند بدون ناقل صحیح قانونی مالک اموال و حقوق شخص دیگری باشد. اما به نظر می رسد که صحیح آن باشد که بگوییم در این وضعیت شخص گذشته به موجودیت خود بازگشته است و محق دارا شدن همان حقوق خواهد بود. به ویژه این که در نظر بگیریم که حق مذکور، به علت انجام فعالیتی با کیفیت مطلوبتر به شخص واگذار شده است. اگر تلاشی برای بازگرداندن شخص صورت گرفته، بی شک استفاده از قابلیت های سابق او، مورد نیاز بوده است. در این حالت، منطقاً نباید اقدامی صورت گیرد که موجب کاهش قابلیت های شخص گردد. بنابر این، باید گفت که با قطع موقت حیات شخص الکترونیکی، حق عمری زایل نمی گردد و مجدداً برقرار خواهد شد و اگر در مدت قطع حیات، معامله یا تصرفی نسبت به این حق صورت گرفته، باید به نفع مالک اصلی فسخ شود یا به نحوی از انحا جبران گردد (عربزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

(۲) رقبی

بر اساس ماده ۴۲ قانون مدنی، اگر مدت حق انتفاع معین باشد، به این حق انتفاع رقبی گفته می شود. اجازه ی استفاده از فضای متعلق به دیگری برای مدت معین، نوعی از حق انتفاع است که ممکن است آن را برای یک شخص الکترونیکی قایل گردید یا این که استفاده از سازه یا فضای الکترونیکی را برای مدت خاصی، به شخص دیگری اختصاص داد. اما باید به گونه ای این حق را در محدوده ی زمانی مشخص تعریف کرد که بعد از انقضای مدت، امکان ادامه ی بهره برداری وجود نداشته باشد و با رمز گذاری دقیق یا تغییر مناسب مسیر دسترسی به حق انتفاع مورد نظر، مانع استمرار استفاده توسط منتفع شد یا این که در تعاریف ذهنی شخص یا سازه ی الکترونیکی طرحی در انداخت که پس از مدت مشخص، با شناسایی شخص استفاده کننده از حق، اجازه ی استفاده ی بیشتر را به او ندهد.

(۳) سکنی

به بیان ماده ۴۳ قانون مدنی، اگر حق انتفاع در مورد سکونت در مسکنی باشد، حق سکنی نامیده می شود. این حق ممکن است به مدت عمر مالک یا منتفع یا شخص ثالث یا به مدت معین باشد. سؤالی که به ذهن متبادر می شود این است که آیا ممکن است حق سکنی در فضای مجازی برای شخصی ایجاد گردد؟ همان طور که ملاحظه می شود، قانون مدنی از عبارت سکونت در مسکن معین نام برده است. و با توجه به تعریف ماده ۲۲۴ این قانون که بیان داشته: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه» باید مسکن و نیز حق سکنی را محدود به اموال غیر الکترونیکی و مسکنی دانست که فضای فیزیکی اشغال کرده است. اما، در فضای الکترونیکی نیز محدوده ای که هر شخص می تواند در آن استقرار یابد، کاملاً مشخص است. می توان حق استفاده از فضای یک خانه ی الکترونیکی یا کیف پول الکترونیکی را بر مبنای قرارداد یا به وسیله ی اذن در تصرف یا هر وسیله ی دیگری در اختیار شخص دیگری غیر از مالک عین مال قرار داد تا از آن استفاده نماید و حتی در آن استقرار یابد. اگر فضای یک سایت را در اختیار یک سازه ی الکترونیکی قرار دهیم تا بتواند در آن مستقر شود و از آن مکان فعالیت هایش را شکل دهد و کنترل کند، در واقع نوعی از حق سکنی به آن سازه اختصاص یافته است. اگر رمز گشایش صندوق الکترونیکی خود را در اختیار شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی یا الکترونیکی قرار دهیم که برای نمونه بیت کوین خود را در آن صندوق ذخیره نماید،

حق استفاده از این فضا را به او داده ایم. حتی می توان با توجه به قابلیت توسعه دادن قانون مدنی و اختصاص یک حکم به موارد مشابه، بگوییم که حق سکنی در محیط های مجازی نیز قابل توجیه است. البته به نظر می رسد که در این موارد، به جای حق سکنی، مناسبتر است از عبارت «حق استقرار» استفاده کنیم.

۴) حبس مطلق یا مؤبد

اگر حق انتفاع به طور مطلق و بدون قید مدت به شخصی داده شود، آن را حبس مطلق یا مؤبد می گویند و این حق تا فوت مالک خواهد بود؛ مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع نماید. بنابر این، در این نوع از حق انتفاع برخلاف اقسام دیگر، مالک حق رجوع دارد و همواره می تواند قرارداد حق انتفاع را بر هم زند و در اصطلاح گفته می شود که حبس مطلق عقد جائز است و طرفین هر وقت که مایل باشند می توانند آن را بر هم بزنند. در مورد اشخاص الکترونیکی، این مدت، تا زمان دوام و موجودیت شخص است. اگر شخص الکترونیکی طرف حق باشد، رجوع از اذن تصرف به هر نحوی که دلالت بر پایان امکان تصرف باشد، صورت می گیرد. اعم از این که رمزی را تغییر دهد یا مسیر دستیابی به فضا را عوض کند یا این که اطلاعات ارایه شده بر روی سایت را از روی صفحه بردارد و غیره. بنابر این، حبس مطلق یا مؤبد، قرارداد حق انتفاع به طور نامحدود و همیشگی می باشد و اگر به امور عام المنفعه و خیریه اختصاص داده شده باشد، تابع احکام وقف خواهد بود. در این صورت، قابل رجوع نیست (مبین، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

۳-۱ معلوم بودن

طبق ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، معلوم باشد». معلوم بودن یعنی مقدار و جنس و وصف آن مشخص باشد، معلوم بودن گاهی به وسیله وزن کردن گاهی با مشاهده و گاهی با عدد یا مساحت مشخص می شود، پس مقدار غیرمشخصی از یک قطعه زمین یا تعداد نامعلومی از کالایی در یک مغازه را نمی شود بعنوان مهر تعیین کرد. البته مشهور فقهای امامیه با این که اگر علم اجمالی به مورد مهر برای طرفین حاصل شود مهر صحیح می باشد موافقت به طور مثال اگر یک باب خانه را مهر تعیین کنند لازم نیست حتماً خصوصیات کامل آن ذکر شود و می توان حد وسطی را برای تسلیم خانه به زن تعیین کرد ولی بعضی دیگر هم با این امر مخالفند و عقیده دارند اگر چه جنس مشخص است ولی چون تنها با معلوم بودن جنس مهریه رفع جهالت نمی شود مهر باطل است (صفایی، امامی، ۱۳۹۸: ۱۷۱). مگر آنکه ۵ دستگاه اتومبیل از هر جهت شبیه یکدیگر باشند که در آن صورت می توان مهریه را به صورت کلی در معین تعیین کرد.

۴-۱ قدرت بر تسلیم

شوهر باید قادر به تسلیم مالی باشد که بعنوان مهریه زن تعیین می شود، این شرط را از متن ماده ۳۴۸ قانون مدنی استنباط می نماییم. در نتیجه ماهی شناور در دریا یا پرنده در حال پرواز در آسمان را نمی توان مهر قرار داد. ولی اگر مالی را که شوهر قادر به تسلیم آن به زن نیست، زن خود قادر به قبض آن باشد می تواند مهر قرار گیرد. مثلاً قطعه طلایی که در دریا غرق شده و دست نیافتنی است را نمی شود مهر قرارداد، البته اگر خود زن بواسطه غواص بودن قادر به تسلیم باشد و بتواند آن طلا را از ته دریا در بیاورد مهر قرار دادن آن صحیح است.

۵-۱ معین بودن

این شرط هم از ماده ۱۹۰ قانونی مدنی استنباط گردیده، چون در این ماده معین بودن یکی از شرایط اساسی صحت معامله می باشد و چون مهر از جهاتی تابع احکام معاملات است، پس باید معین باشد یعنی بین دو یا چند چیز مردد نباشد و بین شک و تردید واقع نشود. مثلاً یک اتومبیل از ۵ اتومبیل موجود در نمایشگاه به شکل مردد نمی تواند مهر قرار گیرد. مگر

آنکه ۵ دستگاه اتومبیل از هر جهت شبیه یکدیگر باشند که در آن صورت می توان مهریه را به صورت کلی در معین تعیین کرد (امامی، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

۶-۱ منفعت عقلانی و مشروع

این شرط به صراحت در قانون در مورد شرایط مهر ذکر نشده ولی در ماده ۲۱۵ قانون مدنی منفعت عقلایی داشتن و مشروع بودن از شروط مورد معامله می باشد، و چون مهریه باید تابع شروط اساسی صحت معاملات باشد پس باید این شروط را هم داشته باشد. عقلانی بودن منفعت یعنی در بین جامعه و عقلاء آنرا قبول داشته باشند و مشروع بودن هم یعنی قانون آنرا منع نکرده باشد. پس اشیائی مانند مشروبات الکلی، مواد مخدر یا به دلیل عدم مشروعیت معامله و عدم وجود منفعت عقلی و شرعی در آنها نمی توانند به عنوان مهر قرار گیرند.

۷-۱ موجود بودن

هر گاه مهر عین معینی باشد باید در زمان عقد موجود باشد، یعنی اگر بعد از عقد معلوم شود که آن عین در زمان عقد موجود نبوده تعیین مهر باطل خواهد بود. این شرط هم از ماده ۳۶۱ قانون مدنی استنباط می شود. مثلاً اگر مهریه یک دستگاه اتومبیل باشد که در عقد درج شده و بعداً مشخص شود این اتومبیل در زمان عقد وجود خارجی نداشته یا از بین رفته بوده این تعیین مهر باطل بوده و زن مستحق دریافت قیمت یا مثل طبق ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی می باشد.

۸-۱ ملک شوهر بودن

مالی که مهر قرار داده می شود باید ملک شوهر باشد، البته ملک غیر را هم می توان با اجازه مالک آن مهر قرارداد ولی اگر بدون اذن مالک باشد غیر نافذ بوده و با اجازه او تعیین مهر نافذ و با رد اجازه او باطل می شود و در صورت ابطال مهر شوهر باید مثل یا قیمت آن را بدهد (ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی). حکم قسمت اخیر ماده ۱۱۰۰ مبنی بر لزوم دادن مثل یا قیمت مالی که مستحق للغیر درآمده است، خلاف قاعده است چون با مستحق للغیر در آمدن مهریه و عدم تنفیذ مالک مال، مهریه باطل می شود و زوجه باید مستحق مهرالمثل باشد نه مثل یا قیمت مال غیر.

۲- ادله‌ی جواز تعیین ارز دیجیتال به عنوان مهریه

در این مبحث سعی در بررسی مواردی چون، رغبت عموم عقلا، داشتن خصوصیات پول، اثبات مالیت داشتن ارزهای دیجیتال و امکان احراز امضای شارع، خواهد شد.

۱-۲ رغبت عموم عقلا

بیت کوین مال نیست؛ زیرا شرط مالیت اشیا این است که منفعتی داشته باشند که مورد رغبت عموم عقلا قرار بگیرد و عقلا در عوض آن، بذل مال کنند. پس غرض فعلی عقلایی برای مالیت شرط است؛ در حالی که این شرایط در ارز دیجیتال موجود نیست؛ چون رغبت عام عقلایی کنونی وجود ندارد و تنها عده‌ای خاص به آن روی آورده‌اند و این در حالی است که ظرف اعتبار آن جهانی است (آزادپرور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

در پاسخ به این اشکال باید گفت:

روشن است که امروزه تنها گروهی از مردم از وجود چنین پولهای دیجیتالی خبر دارند و تنها عده‌ای از آنها در معاملات خود از این ارزها استفاده می کنند؛ ولی نکته مهم آن است که رغبتی که به عنوان شرط مالیت گفته شده به این معنا نیست که همه انسانها به آن رغبت داشته باشند و از آن استفاده کنند؛ بنابراین بسیاری از غذاها مورد علاقه عده خاصی از انسانها هستند؛ در

حالی که آن غذا دارای مالیت زیادی است مانند خاویار که ممکن است بسیاری از انسانها از طعم آن خوششان نیاید یا مثلاً داروی انسولین برای افراد بیمار که گروه اندکی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند شفا بخش و برای بیشتر مردم مرگبار است و نمیتوان گفت به سبب رغبت عمومی، این دارو مالیت ندارد. پس همین مقدار که از سوی جامعه عقلاً مالیت امری پذیرفته شود و آثار مالیت مانند ضمان اتلاف را بر آن بار کنند برای مالیت کفایت می‌کند و به نظر می‌رسد این امر در مورد بیت کوین وجود دارد. به همین سبب اگر کسی بیت کوین شخصی را اتلاف کند، عقلاً این کار او را ظلم به شمار می‌آورند و او را ضامن می‌دانند. ثانیاً این دلیل در نهایت تا زمانی که بیت کوین رواج پیدا نیافته است، می‌تواند نافی مالیت باشد؛ ولی اگر در منطقه‌ای یا به نحو جهانی رواج یافت دیگر این دلیل تمام نیست. ثالثاً تمام این مباحث بر فرض قبول یک کبری است و آن اینکه در مالیت، رغبت نوع عقلاً شرط است؛ در حالی که این قید توسط برخی پژوهشگران مورد مناقشه قرار گرفته و بیان شده رغبت عده‌ای از عقلاً برای صدق مالیت کفایت می‌کند. همچنین مثالی به عنوان نقض بیان شده که اگر شخصی دوست داشته باشد برای فلان یادگاری جدش که نزد شخص دیگری بی ارزش است مبلغ هنگفتی بپردازد، این معامله نزد عقلاً است صحیح بیع به شمار می‌آید و مشخص است که بیع مبادله مال به مال است (منتظری، ۱۴۱۵: ۴۳). البته برای تصحیح چنین معاملاتی بعضی درباره اصل اینکه بیع مبادله مال به مال، باشد مناقشه کرده‌اند (خویی، ۱۳۶۸: ۱۹۳). رابعاً حقیقت این است که انکار مالیت عرفی بیت کوین از خلاف وجدان است و راهی برای مناقشه در آن نیست؛ بنابراین اگر به کسی که منکر مالیت بیت کوین است پیشنهاد شود که در مقابل مبلغ بسیار اندکی (مثلاً هزار تومان)، بیت کوین (معادل چند هزار دلار) دریافت کند بی‌گمان این شخص بدون لحظه‌ای درنگ این پیشنهاد را خواهد پذیرفت با فرض اینکه او از ارزش این بیت کوین خبر داشته باشد و از لحاظ شرعی و شخصی، مسئله‌ای در نظرش نباشد. این مطلب نشان دهنده وجود مالیت عرفی برای بیت کوین است همچنین این اشکال که رغبت در فرضی است که شخص از ارزش بیت کوین خبر داشته باشد وارد نیست؛ زیرا بسیاری از اموال عرفی دیگر نیز نزد بسیاری از مردم ناشناخته است و نمیتوان گفت این اموال مالیت ندارند.

۲-۲ داشتن خصوصیات پول^۱

همان طور که گذشت مالیت دائر مدار منفعت است؛ ولی چنین نیست که اموری که مالیت دارند همه منفعت ذاتی مانند اکل و شرب داشته باشند؛ بلکه یکی از منافعی که موجب مالیت می شود قابلیت ثمن واقع شدن در معاملات است. مانند انواع پول های رایج. حال اگر بیت کوین بخواهد مال به شمار آید، نوع مالیتش مانند قسم دوم است؛ یعنی بی گمان منفعت ذاتی ندارد و تنها می تواند مالیتی مشابه مالیت پولهای رایج پیدا کند؛ پس باید دید ویژگیهای پول چیست و آیا بیت کوین این ویژگیها را دارد؟ پول ابزاری برای مبادله و ارزش گذاری کالاها و ذخیره ارزش کالاهاست. مهمترین خصوصیتی که برای پول بیان شده چنین است:

- پول معیار سنجش ارزش کالاهاست؛ یعنی برای تعیین ارزش و بلکه مقایسه ارزش کالاهای گوناگون با یکدیگر پول را معیار قرار می دهند.

- پول وسیله برای تبادل اشیاست^۲.

- در مواردی که نگهداری کالایی دشوار باشد مانند اینکه احتمال از بین رفتن و خراب شدن آن باشد یا نگهداری آن موجب کاهش ارزش آن شود پول میتواند به عنوان ذخیره ارزش نقش پیدا کند؛ مثلاً کشاورزی که ده تن گندم مازاد دارد، برای حفظ ارزش مالش آن را به پول تبدیل می کند؛ زیرا کالاها ممکن است خراب شوند و همچنین نگهداری کالا دشوار و در معرض نقصان است.

پس از مشخص شدن ویژگیهای پول به تقریب استدلال ممکن در نفی مالیت بیت کوین می پردازیم استدلال بدین گونه است که اگر ارز دیجیتال مال بود، حتماً پول بود و چون پول نیست پس مال نیست مضمون این استدلال قیاس استثنایی است و تمامیت هر قیاس استثنایی به این است که اولاً ملازمه بین تالی و مقدم اثبات شود؛ ثانیاً تالی هم باطل باشد تا فساد تالی به فساد مقدم برسد.

^۱ پول در زمان های گذشته تاکنون مراحل را پیموده و در هر مرحله ای حکمی داشته است. در مجموع پنج مرح برای پول مطرح شده است این مطلب در سخنان شهید صدر در کتاب بانک الاربوی و کلمات عامه مطرح شده است: مرحله اول: نقود معدنی یعنی سکه طلا و نقره را مسکوک به جای معامله پایاپای قرار گرفت. البته در برهه ای مس و غیر آن هم استفاده شده است. مرحله دوم نقود کاغذی از کاغذ فی الجمله در تبادل استفاده شده است که طبق کتاب بانک الاربوی و تقریرات آن در مجموع برای پول کاغذی چهار دوره و تغییر را مطرح کرده اند: طلا و نقره را به افراد مؤتمن میدادند و سندی میگرفتند و در حقیقت نوعی امانت بود تا هرگاه که خواستند، با آن برگه رجوع کنند و طلا و نقره را پس بگیرند پس صرافها برای دزدیده نشدن اموال و حفظ آنها اموال را میگرفتند و نگهداری میکردند و شاید برای حفظ این اموال به صرافها پول می دادند. ولی در حقیقت صرافها صاحب نفع نبودند و در عین حال و رقی برای سند پول می نوشتند. مرحله سوم با توجه به اینکه بیشتر صاحبان اموال رجوع نمی کردند؛ لذا صرافها تصمیم گرفتند پول را استفاده کنند؛ در عین حال سند میدادند و سند برای این بود که با آن مبادله انجام دهند و هر تصرفی می خواهند انجام دهند و هر رگاه که خواستند سند را بیاورند و طلا و نقره را پس بگیرند. با توجه اینکه . در این صورت از طلا و نقره استفاده میکردند و منتفع می شدند، عوضی را به صاحبان آن می دادند.

مرحله چهارم دولت ها برای انتفاع بیشتر و درآمدزایی به جای صرافها پول های دست مردم را می گرفتند و به مردم سند می دادند در سند معین می شد که این ورقه ما به ازای چند درهم است تا مؤسساتی را که دولت برای ذخیره سازی طلا و نقره قرار داده، بود مقدار معین را به صاحبان اوراق پرداخت کنند و نام آن را نقود و رقیه یا «وثیقه» گذاشتند مرحله پنجم: دولت ها و حکومتها اوراقی را به نام اسکناس چاپ میکنند؛ ولی چاپ مقید به پشتوانه طلا و نقره نیست. این پول به وسیله اعتبار دولت مورد خرید و فروش واقع میشود و نگاه به پشتوانه نمی کنند. البته ممکن است در اوایل مقدار ذخیره طلا و نقره را در نظر می گرفتند و پشتوانه بود؛ ولی در این مرحله پشتوانه لحاظ نمیشود در مجموع قدرت دولت و پشتوانه های آن ملاک است ولی مقدار پول در بازار عملاً از مجموعه شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور نیز بالاتر است. در این قسمت ظاهراً پول مال مستقل است (ر.ک. صدر، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۴۶).

^۲ معاملات و معادلات اشخاص اول به صورت کالا با کالا بوده است و بعد برای تسهیل پول را وسیله مبادله قرار دادند.

وجه ملازمه این است که ارز دیجیتال مالیت ذاتی ندارند و ارزش مصرفی نیز ندارد و مالیت آن دایر مدار منفعت است و منفعت آن نیز متوقف بر پول بودن و وسیله مبادله بودن است. ویژگی پول این است که وسیله‌ی ارزش‌گذاری مبادله و ذخیره ارزش کالا است و برای گرفتن مطالبات مستقبلی و مواجهه در نسیه از پول استفاده می‌شود. اگر پول بخواهد وظایفش را درست انجام دهد، باید از جهت تغییر قیمت و نوسانات ارزشش ثابت باشد پس با قطع نظر از حوادث و عوارضی همچون جنگ و بلایای طبیعی و مانند که منافاتی با معیار ارزش پول ندارند باید قیمت پول ثابت نسبی داشته باشد.

نفی تالی و اشکال این است که بیت کوین فعلاً معیار سنجش و ارزش کالا نیست و از جهت اضطراب قیمت نیز در سال اول تأسیس (۲۰۰۹) از نصف دلار به ۳۲ دلار و از آن به ۲ دلار و از ۲ دلار به ۶۶ دلار رسیده است و در سال ۲۰۱۳ به ۱۰۰۰ و در بعضی سالها به نصف دلار رسیده است، پس چیزی که با قطع نظر از حوادث این مقدار اضطراب دارد، نمی‌تواند مورد مالیت و پول باشد. پس پول نبودن ارز دیجیتال روشن شد؛ بنابراین نتیجه‌ی قیاس این است که ارز دیجیتال مال نیست. در مقام پاسخ به این مسأله باید گفت:

اولاً دلیل اقامه شده می‌خواهد مالیت عرفی بیت کوین را خدشه دار کند و همان طور که گذشت انکار مالیت عرفی بیت کوین به نحو آشکار، خلاف وجدان است. ثانیاً صفاتی که برای پول بیان شد امر غالبی است و امکان دارد در بعضی از پولها این خصوصیت معدوم یا ضعیف باشد و کلام صحیح این است که بگوییم صفت صلاحیت برای ذخیره سازی در مواردی است که یک پول دارای نوسان و کاهش ارزش نباشد؛ از همین روی بسیاری از اوقات برای ذخیره ارزش کالا مردم یک کشور به استفاده از پولهای خارجی یا اموالی مانند طلا و زمین روی می‌آورند؛ در حالی که تا زمانی که با آن پول بتوان کالا خرید، نمیتوان منکر مالیت پول آن کشور شد. پس کلام صحیح این است که بگوییم خاصیت اساسی پول و آنچه باعث مالیت پول می‌شود توان خرید با آن پول است و این توان خرید حتی اگر به نحو جزئی موجود باشد برای اثبات مالیت کفایت می‌کند (آزاد پروز و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۰). برای مثال پول ایران (ریال) با آنکه در چند سال اخیر دارای نوسانات شدید بوده است و بسیاری از افراد برای حفظ ارزش اموال خود می‌کوشند تا جای ممکن ریال در حساب خود نداشته باشند و به جای آن به ذخیره طلا یا زمین یا کالاهای دیگر می‌پردازند برعکس بیت کوین که مجموع نوسانات آن به افزایش قیمت آن منجر شده است؛ در ریال این نوسانات موجب کاهش ارزش شده است؛ حتی در کشورهایی مانند عراق مالیت دارد؛ زیرا در بعضی از مکانها حاضرند در مقابل آن کالا یا پول دیگر بدهند.

۳-۲ اثبات مالیت داشتن ارزهای دیجیتال

ممکن است گفته شود ارزهای دیجیتال برای نمونه بیت کوین، از آن جهت مالیت ندارد که هر روز از طرف افراد زیادی به استخراج بیت کوین (ماین) می‌پردازند و استخراج بیت کوین باعث کاهش ارزش آن می‌شود و چنین کالایی مالیت ندارد. توضیح آنکه شاید بتوان گفت مهم ترین عامل تعیین کننده قیمت هر کالا، میزان عرضه و تقاضا برای آن کالا است و هرگاه میزان عرضه کالایی در بازار افزایش یابد - در حالی که تقاضای آن ثابت باشد - ارزش آن کالا کاهش می‌یابد و در مقابل اگر عرضه آن کم شود، قیمت آن افزایش می‌یابد؛ بنابراین هرگاه تعداد بیت کوین های داخل در بازار افزایش یابد، ارزش بیت کوین کاهش خواهد یافت و صاحبان کنونی بیت کوین زیانکار خواهند شد. اشکال آنجا روشن تر می‌شود که بدانیم بعضی گفته‌اند احتمال دارد نزد مبتکر بیت کوین مقادیر زیادی از بیت کوین موجود باشد و اگر روزی او این بیت کوین را روانه بازار کند، ارزش بیت کوینهای موجود به شدت کاهش خواهد یافت.

در پاسخ باید گفت اولاً این اشکال نقض می‌شود به کالاهای دیگر؛ به این بیان که در بسیاری از کالاها احتمال افزایش عرضه آن کالا در بازار وجود دارد و این امر مانع مالیت داشتن آنها نمی‌شود آنچه واقعیت خارجی بیان می‌کند این است که بسیار اتفاق می‌افتد که بازرگانان کالایی را می‌خرند؛ ولی با افزایش عرضه روبرو می‌شوند و زیان می‌بینند این در حالی است که هنگام معامله، احتمال این افزایش عرضه را می‌داده‌اند یا بلکه گاهی یقین به افزایش عرضه دارند (مانند کالاهای کشاورزی در ابتدای فصل عرضه آن به بازار که اشخاص میدانند در آینده نزدیک افزایش عرضه صورت می‌گیرد). در این موارد نه عقلاً معامله این کالاها را باطل می‌دانند و نه احدی از فقها قائل به بطلان شده است در زمان معصومان بسیار اتفاق می‌افتاده است که کاروانی تجاری کالایی را به شهری می‌آورده است و با فاصله نزدیک، یک کاروان دیگر همان کالا را به آن شهر می‌آورده و موجب کاهش ارزش شدید کالا می‌شده است یا در همه زمان‌ها محصولات کشاورزی با رسیدن فصل آنها دچار کاهش شدید قیمت می‌شده‌اند در سالهای اخیر بارها مشاهده شده کالاهایی مانند گوجه فرنگی، سیب زمینی پیاز و..... چنان در بازار زیاد شده است که مقادیر فراوانی از آنها به دور ریخته شده است و برای کشاورزان حتی جمع آوری و چیدن محصول به صرفه نبوده است حال پرسش این است که کسی که گوجه فرنگی می‌خرد و احتمال می‌دهد هفته آینده ارزش آن پایین بیاید، آیا این معامله باطل است و آیا می‌توان گفت گوجه هم اکنون مالیت ندارد؟ بلی در هنگامی که افزایش عرضه به این شدت و مقدار باشد آن هنگام دیگر مالیت ندارد (نواب‌پور، ۱۳۹۷: ۱۱۳)

ثانیاً درباره افزایش عرضه بیت کوین در بازار باید گفت بیت کوین نسبت به کالاهای دیگر یک امتیاز دارد و آن این است که مقداری که در آینده استخراج می‌شود و به بازار عرضه می‌شود معلوم و مشخص است و از اندازه خاصی فراتر نخواهد رفت و این برخلاف بسیاری از کالاهاست که نمی‌توان هیچ پیش بینی برای آینده آن داشت.

ثالثاً حل آنچه قطعی و مسلم به نظر می‌رسد این است که حتی اگر ده برابر بیت کوین موجود در بازار بیت کوین عرضه شود نهایت اتفاقی که خواهد افتاد، این است که ارزش بیت کوین یک دهم ارزش کنونی می‌شود یا اینکه ممکن است یک هزارم ارزش امروز شود؛ ولی باز هم بی ارزش نیست. البته اگر کسی به این امر قطع یا اطمینان نداشته باشد و حجت معتبر مانند قول اهل خبره نیز بر او اقامه نشده باشد نمی‌توان او را ملزم به امر ثالث کرد. رابعاً آنچه برای ما مهم است مالیت کنونی بیت کوین است که وجود مالیت عرفی آن امر انکار ناپذیر است و این امر که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، نافی مالیت فعلی نیست و باید گفت بسیاری از کالاها مالیت بالفعل دارند؛ در حالی که ممکن است یک دقیقه دیگر هیچ مالیتی نداشته باشند و این مانعی در معامله نیست؛ مثلاً پرنده‌ای زینتی و گران قیمت که میلیونها تومان ارزش دارد؛ در حالی که یک دقیقه دیگر ممکن است بمیرد و بی ارزش شود.

۴-۲ امکان احراز امضای شارع

ممکن است گفته شود بر فرض برای مالیت عرفی بیت کوین برای اثبات مالیت شرعی باید امضای شارع مقدس هر چند به عدم ردع احراز شود و اگر شارع مقدس ردع کرده یا امضا نکرده باشد در این صورت مال عرفی ولی مال شرعی نیست و با توجه به جدید بودن بیت کوین امکانی برای امضای شارع وجود ندارد.

در مقام پاسخ باید گفت، اصل این مطلب که مالیت شرعی متوقف بر امضای شارع است، مورد قبول است؛ ولی میتوان امضای شارع را از راههای زیر احراز کرد (آزادپرور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۴):

ممکن است وجه امضای شارع مقدس در بیت کوین و ارزهای دیجیتال همان وجه امضای پول‌های زمان شارع (درهم و دینار) باشد؛ بنابراین هر دو مال هستند؛ توضیح درهم و دینار که در زمان شارع مورد معامله واقع می‌شدند دارای دو جنبه بوده‌اند.

یک جنبه همان طلا و نقره‌ای بوده که در این پول‌ها موجود بوده و مالیت داشته است و جنبه دیگر ارزش اعتباری این پول‌ها بوده است؛ یعنی یک سکه دینار که جنس آن از طلاست وقتی با همان مقدار طلای غیر مسکوک مقایسه می‌شده ارزش بیشتری داشته است؛ بنابراین اگر سلطان سکه‌ای را از اعتبار ساقط می‌کرد ارزش آن کاسته می‌شد و فقط ارزش مقدار طلای آن باقی می‌ماند یا اینکه با توجه به اینکه در هر منطقه‌ای سکه خاصی رواج داشت صرافان در ازای گرفتن پول به تعویض سکه‌ها می‌پرداختند؛ یعنی اگر کسی به منطقه‌ای مسافرت می‌کرده گرچه مقدار طلای لازم را داشته است - ولی برای به دست آوردن سکه آن منطقه خاص باید مبلغی اضافی میداده است حال می‌گوییم وقتی مالیت این سکه‌ها امضای شرعی شده است می‌توانیم مالیت اعتباری پولهای گوناگون اعم از اسکناس و سکه‌های رایج در بازار و ارزهای دیجیتال را اثبات کنیم و به همین خاطر است که فقها در مالیت داشتن اسکناس‌های بازار اشکالی نمی‌کنند.

تنها احتمال خصوصیتی که ممکن است در اینجا داده شود، این امر است که سکه‌های سابق دارای دو جنبه مالیت بوده‌اند و غیر از مالیت اعتباری، مقداری طلا یا نقره نیز داشته‌اند. اگر کسی این احتمال خصوصیت را بدهد نمی‌تواند مالیت شرعی را اثبات کند؛ ولی باید توجه داشته باشد که مالیت اسکناس‌های بازار نیز نزد او مورد مناقشه واقع می‌شود؛ چراکه کاغذی که در اسکناس وجود دارد، مالیت ندارد. راه دوم استفاده از امضای ارتکاز عقلا در زمان شارع است؛ به این بیان که طبق نظر صحیح، امضای شارع درباره سیره عقلا محدود به امضای عمل خارجی آنها نیست؛ بلکه ارتکاز ذهنی آنها که اعم از عمل خارجی است نیز تصحیح می‌شود؛ بنابراین هنگامی که شارع معاملات درهم و دینار را امضا کرد ارتکاز ذهن آنها را امضا نموده است و آن ارتکاز این است که هر امری - هر چند اعتباری - که مورد معامله و رغبت عقلا واقع شود میتواند به عنوان پول استفاده شود (حائری، ۱۴۲۳: ۹۰).

راه سومی که برای اثبات مالیت می‌توان پیمود، این است که بگوییم مالیت دائر مدار منفعت است و مالیت شرعی دائر مدار منفعت حلال است؛ بنابراین اگر شارع بخواهد مالیت امری را لغا کند، باید از استفاده از آن را منع کند. حال اگر بیت کوین یک منفعت حلال داشته باشد میتوانیم مالیت شرعی آن را اثبات کنیم. اگر صلح با بیت کوین جایز باشد با توجه به اینکه در صلح، مالیت شرط نیست تا دور پیش آید، میتوان مالیت را اثبات نمود و معاملات دیگر مانند بیع را نیز تصحیح کرد. همچنین هر منفعت حلال دیگر مانند هبه یا وقف نیز این چنین است؛ البته باید امری باشد که متوقف بر مالیت نباشد در مقام جمع‌بندی باید گفت، مال چیزی است که دارای منفعت - اعم از تکوینی و اعتباری - باشد و عقلا به آن رغبت داشته باشند و در مقابل آن عوض می‌دهند. در مورد مالیت بیت کوین که امروزه در جامعه جهانی مورد معامله و خرید و فروش قرار دارد، چند اشکال وجود دارد. رغبت عمومی نداشتن عقلا نبودن خصوصیات پول، استخراج بیت کوین از سوی افراد متعدد و احراز نشدن امضای شارع اشکالاتی هستند که در مورد مالیت بیت کوین می‌توان طرح کرد با بررسی این اشکالات مشخص شد که اشکالات مطرح شده صحیح نیستند و بی‌گمان بیت کوین دارای مالیت عرفی است. همچنین امضای شارع درباره ارزهای دیجیتال را می‌توان از راه امضای ارتکاز عقلای معاصر امامان معصوم یا با توجه به داشتن منفعت مقصوده حلال مانند جواز هبه آن اثبات کرد.

نتیجه‌گیری

۱. ارزش‌های دیجیتال مالیت دارند؛ طبق آمارهای موجود هر روز بر تعداد متقاضیان، استفاده کنندگان و پذیرندگان ارزش‌های دیجیتال اضافه می‌شود. لذا بر اساس ضوابط مالیت پیدا کردن یک شی نزد عرف و عقلا، این ارز دارای مالیت است. بدین معنا که هم بین عرف و عقلا مطلوب است و هم برای به دست آوردن آن با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. باید اضافه کرد؛ ضرورت داشتن پشتوانه پول یک امر اقتصادی تاریخی است و ارتباطی با دستگاه فقه ندارد. بحث پشتوانه در اقتصاد به این دلیل حائز اهمیت است که منجر به تعیین میزان مالیت آن پول می‌گردد و الا پول، مالیت خود را در ازای خدمت و فایده‌ای که مردم و دولت برای آن جعل کرده‌اند (ذخیره ارزش، وسیله مبادله و محاسبه) کسب می‌کند. البته، میزان ارزش و مالیت آن تابع میزان حجمش در ارتباط با حجم کالاها و خدمات قابل مبادله با آن می‌باشد. این مساله که اسکناس کاغذی مالیت خود را از اعتبار دولت یا از هر راه دیگر مورد قبول (عرف) بگیرد از منظر فقه بلا اشکال می‌باشد اما تبعات آن از قبیل کاهش ارزش پول، خیانت در امانت توسط سیاست‌های اشتباه دولت و تطابق نظام خلق پول با ربا، خالی از اشکال نیست. در ارزش‌های دیجیتال نیز همانند اسکناس بانکی هیچ پشتوانه فیزیکی وجود ندارد و مالیت خود را از مطلوبیت میان عقلا (به دلیل فراهم آوردن بستری امن و سریع برای انتقال دارایی و محدود بودن گرفته است) به طوری که عقلا برای به دست آوردن آن با هم به رقابت می‌پردازند فلذا مالیت دارد و نیازی به بحث پیرامون پشتوانه نیست. البته همانند اسکناس و سایر پول‌های بانکی میزان ارزش و مالیت آن تابع میزان حجم آن در برابر کالاها و خدمات قابل مبادله می‌باشد.

۲. چون منشأ مالیت و ارزش هر مال و از جمله بیت کوین در انواع استفاده از آن همانند بکارگیری در مبادلات با مشکل شرعی مواجه نخواهد بود. مسئله مهم، مالیت بالفعل و مقبولیت عرفی و عمومی آن می‌باشد.

۳. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان ارزش‌های دیجیتال به عنوان مهریه در نظر گرفت چراکه در قانون مدنی گفته شده هر چیزی را که مالیت (ارزش مالی) داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد و به همین دلیل تعیین ارزش‌های به عنوان مهریه مشکلی ندارد. همچنین شرع، انتخاب ارز دیجیتال را ممنوع نکرده است و می‌تواند به عنوان مهریه انتخاب شود.

منابع

۱. آزادپرور، مهدی؛ فائزی، محمد؛ آذریان، سید صادق (۱۳۹۸)، بررسی فقهی مالیت بیتکوبین در بستر فضای مجازی، فصلنامه‌ی فقه و اجتهاد، ش. ۱۲
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۳)، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة
۳. حائری، سیدکاظم حسینی (۱۴۲۳)، فقه العقود، ج ۱، قم: مجمع اندیشه‌ی اسلامی
۴. خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۸)، مصباح الفقاهه، ج ۱، قم: نشر فقاها
۵. سلیمی نبی، امید (۱۴۰۰)، بیت کوبین به عنوان مهریه، فصلنامه‌ی الکترونیکی ترنم عدالت
۶. صدر، محمدباقر (۱۳۹۰)، البنك الاربوی فی الاسلام، کمک مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر
۷. صفائی، سیدحسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۸)، مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات میزان
۸. عرب‌زاده، لاله (۱۳۹۲)، بررسی مالیت سازه‌های الکترونیکی و آثار حقوقی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران مرکز
۹. عزیززاده‌ی قصاب، مهدی (۱۳۹۹)، «تعیین بیت کوبین به عنوان مهریه قانونی است؟»، پایگاه اینترنتی همشهری
۱۰. عمید، حسن (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات میلاد
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران: میزان
۱۲. کاظمی نجف آبادی، عباس (۱۳۸۸)، ماهیت حق خریدار در تایم شر و نهادهای حقوقی ایران، ماهنامه ی کانون سردفتران و دفتر یاران، ش ۹۲
۱۳. مبین، حجت (۱۳۹۷)، بررسی حقوقی بیت کوبین، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز
۱۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵)، دراسات فی المكاسب المحرمه، ج ۲، قم: نشر تفکر
۱۵. نواب‌پور، علیرضا (۱۳۹۷)، تحلیل فقهی کارکردهای «پول‌های رمز نگاری شده»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع)